

# تأملی بر جرایم با مسئولیت مطلق در حقوق انگلستان

امیر سماواتی پیروز  
دانشجوی دکترای حقوق جزا و

و

مدرس حقوق دانشگاه‌های اصفهان و شهرکرد



ژئودیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

## مسئولیت مطلق

حق اعمال اختیار قانونی بروی ندارد و برخلاف میل پدر یا مادرش بریاید یا باعث ربودن وی شود، باید به جرم از درجه جنحه محکوم شود.» در واقع، آنی فیلیپس (Annie Phillips) ۱۳ ساله بود، اما ۱۶ ساله به نظر می‌رسید.

هیات منصفه احراز کرد که دلیلی معقول وجود دارد که دختر، قبل از ربوده شدن به پرنس (Prince) گفته بود که او ۱۸ ساله است و پرنس (Prince) به واقع حرف او را باور کرد و با توجه به چهره‌اش، برایش معقول بود که او را بریاید. با وجود این، دادگاه مقرر داشت که قانون به منظور فراهم شدن امکان احراز مسئولیت مطلق، ممکن است چنین تفسیر شود- دختر زیر ۱۶ سال است و پرنس (Prince) او را خارج از محدوده اختیار

تعداد کمی از جرایم وجود دارند که بدون هیچ گونه عنصر روانی، با وجود دست‌کم یک جنبه از عنصر مادی، ممکن است ارتکاب یابند. این جرایم، به «جرایم با مسئولیت مطلق» (جرم مادی صرف) معروفند و قانون بیشتر آن‌ها را ایجاد کرده است. اما مزاحمت عمومی و افترای کتبی کفرآمیز مثال‌هایی از جرایم با مسئولیت مطلق در «کامن لا» هستند.

پرونده ی پرنس (Pirnce) (۱۸۷۴) بهترین مثال اعمال مسئولیت مطلق است. شخص متهم به جرم موضوع ماده ی ۵۵ قانون جرایم علیه اشخاص مصوب سال ۱۸۶۱ شد که بیان می‌دارد: «هر کس که به طور غیرقانونی دختر زیر ۱۶ سال را که

قانونی پدر و مادرش و برخلاف میل آنان ربوده و این، همه ی آن چیزی است که قانون به منظور تحقق این جرم، لازم می‌داند، این واقعیت که او نمی‌دانسته که سن دختر زیر شانزده سال است، فاقد اهمیت است، زیرا هیچ عنصر روانی برای این جرم لازم نیست.

پرونده ی اخیر که وقایع پرونده ی پرنس (Prince) در آن وجود داشت، پرونده پی، علیه دی.بی.بی (B.V.DPP) (۱۹۹۸) بود. پسر ۱۵ ساله‌ای کنار دختر ۱۳ ساله نشست و از او خواست که با ضربه‌ای زیر چشمش را سیاه کنند. قاضی محاکمه خاطرنشان ساخت که: این عبارت در زبان متداول پسر معقول به ظاهر به معنی چشم سیاه نیست، بلکه، به معنی درخواست برقراری رابطه جنسی است. «پسر به ارتکاب عمل وقیحانه شدید علیه طفل زیر ۱۴ سال متهم شد. چنین جرمی، جرم با مسئولیت مطلق است و بنا به رای قاضی محاکمه و دادگاه تجدیدنظر، هیچ دفاعی مبنی بر این که پسر فکر می‌کرده است که سن دختر بالای ۱۴ سال باشد، وجود نداشت.

#### جرایم با مسئولیت مطلق کدامند؟

متأسفانه، قوانین موضوع همیشه تا این حد ملزم نیستند که بیان دارند «این جرم، جرمی با مسئولیت مطلق است.» گاهی نحوه ی انشای قانون، این مسئله را مشخص می‌کند، در غیر این صورت، تصمیم‌گیری به دادگاه محول می‌شود.

اصولی که بنابر آن‌ها چنین تصمیمی گرفته می‌شود، در پرونده ی گامن (شرکت هنگ‌کنگ با مسئولیت محدود) علیه‌ای.جی (Gammon, Hong Kong, Ltd V.A.G) (۱۹۸۵) ملاحظه می‌شود. متهمان به کار ساخت و ساز مسکن در هنگ کنگ (Hong Kong) اشتغال داشتند. قسمتی از ساختمانی که آن‌ها بنا کرده بودند، فرو ریخت و احراز شد که دلیل فروپاشی، پیروی نکردن دقیق بنا از نقشه ی اصلی ساختمان بوده است. مقررات ساختمان‌سازی هنگ کنگ (Hong Kong)، سربچی اساسی از چنین نقشه‌هایی را ممنوع کرده است و اشخاص به نقض مقررات متهم شدند و مجازات جرم تا ۲۵۰/۰۰۰ دلار جزای نقدی یا سه سال حبس بود. متهمان در دادگاه تجدیدنظر، استدلال کردند که آنان، نسبت به فروپاشی ساختمان مسئول نیستند، چون نمی‌دانستند که تغییراتی که آنان ایجاد کردند، تغییرات قابل ملاحظه‌ای بود. با وجود این، شورای سلطنتی مقرر کرد که مقررات مربوط، باعث جرایم با مسئولیت مطلق می‌شوند و محکومیت‌ها ابرام شد.

قاضی اسکار من (Scarman) با تشریح اصولی که بنابر آن‌ها، تصمیم‌گیری شده بود، تصدیق کرد که همواره اماره‌ای قانونی وجود دارد، بر این مبنای که قبل از این که مجرم بودن شخص مقرر شود، عنصر روانی لازم است. اما عواملی وجود دارد که به طور مستقیم یا به طور مشترک ممکن است جایگزین این اماره قانونی

شوند. به طور کلی، دادگاه‌ها به منظور تصمیم‌گیری مبنی بر این‌که آیا مسئولیت مطلق است یا خیر؟ از چهار عامل استفاده می‌کنند.

#### جرم مغایر با منافع عمومی

جرم مغایر با منافع عمومی، جرمی است که در آن، هیچ مسئله اخلاقی وجود ندارد و اغلب (هر چند نه همواره) جرمی است که حداکثر مجازات آن، کم است. مجموعه ی قوانین درخصوص فروش مواد غذایی در بردارنده ی مثال‌هایی از این جرمند. در پرونده ی گامن (Gamman) اظهار شد که اماره ی قانونی علیه مسئولیت مطلق در جرایم مغایر با منافع عمومی، ضعیف‌تر از همین اماره در جرایم واقعی‌اند.

تمایز بین جرایم واقعی و جرایم مغایر با منافع عمومی، قبلاً در پرونده سویت علیه پارسلی (Sweet V. Parsley) ایجاد شده است. سویت (Sweet) معلمی بود که منزلی روستایی را بیرون از شهر آکسفورد (Oxford) دوباره اجاره کرد، او منزل را به مستاجران داد و به ندرت در آنجا حضور داشت. مستاجران در منزل از حشیش استفاده می‌کردند و از این موضوع بی‌اطلاع بود. هنگامی که مستاجران دستگیر شدند، سویت (Sweet) به دلیل اطلاع از اینکه منزلش به عنوان مکانی برای استعمال حشیش استفاده می‌شد، مجرم شناخته شد که این مسئله، نقض قانون مواد مخدر خطرناک مصوب سال ۱۹۵۵ (که اکنون با قانون سوء استفاده از مواد مخدر مصوب سال ۱۹۷۱ جایگزین شده) بود.

سویت (Sweet) در تجدیدنظر خواهی دلایلی ارایه داد مبنی بر این‌که او در مورد اعمال مستاجران اطلاعی نداشته و متعارف است که نمی‌توانسته اطلاع داشته باشد.

قاضی رید (Reid) تصدیق کرد که مسئولیت مطلق برای جرایم مغایر با منافع عمومی یا شبه جرم‌ها، افعالی که در هیچ مفهوم واقعی جرم نیستند و فقط افعالی‌اند که از منظر منافع عمومی ممنوع‌اند، مناسب است. اما، او گفت که نوعی از جرم که بر حسب واقعی اجتماعی بر آن خورده باشد، اغلب باید نیاز به اثبات عنصر روانی داشته باشد.

در مورد چنین جرایمی، بنابر منفعت عمومی نیست که از این مسئله جلوگیری شود که شخص بی‌گناه بتواند برائت خود را در موردی اثبات کند که (اتهام او) فراهم کردن منافعی به منظور آسان‌سازی ارتکاب جرمی بوده که مرتکبان به آن محکوم شده‌اند. از آنجا که قضاوت (قضات مجلس اعیان) در مورد جرم اخیر به موجب ملاحظاتی که صورت گرفت، این بود که این جرم، جرمی واقعی است. برای مثال، در موردی که زدن برچسب باعث شده سویت (Sweet) شغل خود را از دست بدهد. قضات مقرر کرده‌اند که این جرم، جرمی با مسئولیت مطلق

نیست، زیرا، عنصر روانی لازم به منظور تحقق جرم را ندارد و بنابراین محکومیت نقض شد.

متاسفانه دادگاه‌ها هرگز فهرستی از جرایم را که آنان، جرایم مغایر با منافع عمومی در نظر می‌گیرند تا جرایم واقعی، تدوین نکرده‌اند. جرایمی که اغلب جرایم مغایر با منافع عمومی تلقی می‌شوند، انواعی از جرایم‌اند که از طریق قواعد بهداشت و معیارهای ارزشیابی مواد غذایی و صنعت (ساخت) نوشیدنی‌ها و مقررات به منظور کنترل آلودگی محیط زیست صنایع، تصویب شده‌اند، اما به وضوح، این‌ها نوعی از جرایم‌اند که طبقه‌بندی‌شان از گروه‌بندی سایر جرایم، مشکل‌تر است.

### قانون به مسئله‌ی منفعت اجتماعی می‌پردازد

بنابر پرونده‌ی گامن (Gamman)، هر جا که قانون، مسئله منفعت اجتماعی (از قبیل امنیت عمومی) را در نظر دارد و ایجاد مسئولیت مطلق، هدف قانون را از رهگذر تشویق مجرمان بالقوه به منظور احتیاطات بیشتر در مورد ارتکاب فعل ممنوعه، ارتقا می‌دهد، اما راه قانونی علیه مسئولیت مطلق می‌تواند رد شود. این دسته از جرایم، آشکارا منوط به تمایزی‌اند که قاضی رید (Reid) در پرونده سوئیت علیه پارسلی (Sweet V. Parsely) ایجاد کرد، قوانین علیه قتل عمد و زنا یا به عنف باید از عموم مردم حمایت کنند اما این نوع جرایم واقعی، موجب مسئولیت مطلق نمی‌شوند. این نوع جرایم که در این طبقه قرار می‌گیرند، رفتاری را شامل می‌شوند که می‌تواند برای عموم، خطرناک باشد، اما، اغلب دارای برجستگی مشابه با برجستگی قتل عمد یا حتی سرقت نیستند. نقض مقررات ساختمان‌سازی که در پرونده‌ی گامن (Gamman) ارتکاب یافته، مثالی شبیه جرایم مربوط به آلودگی شدید محیط زیست است. در پرونده‌ی آر. علیه بلیک (Blade R.V) (۱۹۹۶) شخص به پخش امواج از ایستگاه رادیویی دزدان دریایی متهم شد و به جرم استفاده‌ی غیرمجاز از تجهیزات تلگرافی بی‌سیم محکوم شد که نقض تبصره یک از ماده‌ی ۱ قانون تلگراف و بی‌سیم مصوب سال ۱۹۴۹ است. دادگاه تجدیدنظر با بیان این که این جرم، جرمی دارای مسئولیت مطلق است، محکومیت وی را ابرام کرد. این نتیجه، به این دلیل اتخاذ شد که بنا به حفظ امنیت عمومی ایجاد شده و علیه منافع عمومی بود و با این فرض که در عملکرد خدمات اضطراری دخالتی صورت گرفته که ناشی از پخش بدون مجوز امواج بوده است.

این جرایم با جرایم مغایر با منافع عمومی در حوزه‌های مرتبط، همپوشی دارد اما (از آنجا که) ممکن است حداکثر مجازات‌ها را داشته باشد، شبیه جرایم مغایر با منافع عمومی نیست. برخلاف چنین مجازات‌های شدیدتری، به نظر می‌رسد

که مسئولیت مطلق، مقرر ضروری است، با این فرض که ارتقای معیارهای بسیار بالای احتیاط در حوزه‌هایی که در آن‌ها احتمال بروز خطر وجود دارد، مورد نیاز است.

### استدلال‌هایی به نفع مسئولیت مطلق ارتقای مراقبت

اینگونه استدلال شده است که با ارتقا معیارهای بالای مراقبت، مسئولیت مطلق از عموم در برابر رویه‌های خطرناک حمایت می‌کند. باریارا ووتون (Barbara Wootton) که دانشمند علوم اجتماعی است، از مسئولیت مطلق دفاع کرد، بر این مبنا که اگر هدف قانون جزایبگیری از فعالیت‌های زیانبار اجتماعی باشد، نادیده گرفتن کسانی که به دلیل سهل‌انگاری، مسامحه یا حتی به طور تصادفی، صدمه‌ای وارد می‌کنند، نامعقول است.

### ارزش‌ارهایی (بازدارندگی)

گفته می‌شود که مسئولیت مطلق، ارزش‌ارهایی (بازدارندگی) قوی‌ای را فراهم می‌کند که به ویژه هنگام تمایل به رسیدگی به جرایم مغایر با منافع عمومی بسیار مهم است. پلیس و اداره دادستانی سلطنتی به بسیاری از این جرایم از رهگذر نهادهای ویژه، از قبیل بازرس و بهداشت، رسیدگی می‌کنند که نهادهای اخیر بر اعمال قواعد امنیتی در محل‌های کار، نظارت می‌کنند. این نهادها از طریق اعمال فشار به مجرمان برای نقض قانون، با تعقیب یا حتی تهدید به مثابه‌ی آخرین حربه، تمایل به انجام کار دارند. پیشنهاد شده است که مسئولیت مطلق به نهادهای اجرای قانون اجازه می‌دهد که جایگاه مورد انتظار خود را تقویت کنند، زیرا مجرمان بالقوه می‌دانند در صورتی که تعقیب انجام شود، احتمال زیادی برای محکوم شدن آنان وجود دارد.

### اجرای سهل‌تر

مسئولیت مطلق باعث اجرای سهل‌تر جرایم می‌شود. شورای سلطنتی در پرونده‌ی گامن (Gamman) پیشنهاد می‌کند که اگر مقام تعقیب مجبور می‌شد در کوچکترین جرایم با منافع عمومی، عنصر روانی را اثبات کند، اجرای عدالت دچار وقفه‌ای کامل می‌شد.

### مشکل اثبات عنصر روانی

در بسیاری از جرایم با مسئولیت مطلق، بسیار مشکل است که بتوان عنصر روانی را اثبات کرد. بنابراین، گناهکاران از محکومیت فرار می‌کنند. مثال بارز این جرایم، شرکت‌هایی‌اند که در آن‌ها اثبات این امر بسیار مشکل است که کسی می‌دانسته است که آنان به انجام چه کاری مشغول بوده‌اند.

## عدم تهدید آزادی

در بسیاری از پرونده‌های دارای مسئولیت مطلق، متهم، حسابگر است و مجازات، جزای نقدی است. بنابراین، عموماً آزادی فردی در معرض تهدید نیست، حتی بیشتر جریمه‌های نقدی جزئی‌اند.

## سوء ناشی از خطر

هنگامی که جرمی ناظر به تجارت است، مرتکبان آن، مبالغی پول برای خود پس انداز می‌کنند و به موجب آن، سوء هنگفتی عایدشان می‌شود، برای مثال، از طریق اطاله زمانی که باید صرف رعایت کردن مقررات امنیتی شود، اگر شخصی خطری ایجاد کند و از طریق این کار، سودی کسب کند، چنانچه خطری باعث صدمه شود یا بتواند صدمه ایجاد کند، حتی اگر چنین قصدی وجود نداشته باشد، آن شخص باید مسئول قلمداد شود.

## استدلال‌هایی علیه مسئولیت مطلق

### بی‌عدالتی

در بسیاری از حوزه‌های متفاوت، از مسئولیت مطلق به عنوان (امری) ناعادلانه انتقاد شده است. نخست، چنانچه حقوق جزا شخص مشخص را مجازات کند که احتیاط معقولی به عمل آورده و به احتمال نوانسته از ارتکاب جرمی اجتناب کند، چنین مسئله‌ای بنا بر منافع عدالت نیست، این (مسئله) با این اصل که حقوق جزا تقصیر را مجازات می‌کند، در تضاد است.

دوم، این استدلال (که گفته شده)، از آنجا که اثبات وجود عنصر روانی بسیار مشکل است، مسئولیت مطلق باید اعمال شود، از نظر اخلاقی محل تردید است. برای مثال، مقام تعقیب در اثبات عنصر روانی برای اتهام جرم زنا به عنف با مشکل روبه‌رو می‌شود، اما آیا این دلیل است که بتوانیم بر اساس آن، زنا به عنف را جرمی با مسئولیت مطلق در نظر بگیریم؟ هر چند بسیاری از جرایم با مسئولیت مطلق از چنین جرایمی (جرم زنا به عنف) خفیف‌ترند، به بعضی از این جرایم، مجازات‌های شدیدی تحمیل می‌شود، چنان که در پرونده ی گامن (Gamman) تشریح شد، اگر مسئولیت مطلق تحمیل شده در چنین حوزه‌هایی فقط به این دلیل باشد که عنصر روانی، امر تعقیب را دچار مشکل می‌کند، این مسئله بنا بر منافع عدالت نیست. محکوم کردن شخصی که در معنی متفاوت، مجرم نیست، آن هم فقط به این دلیل که مجازات تحمیل شده، خفیف خواهد بود، مغایر با عدالت است.

در بسیاری از پرونده‌ها حتی هر جا که مجازات‌ها خفیف باشند، خود محکومیت، مجازات است. اما اگر قصاب آبرومندی، غیر عمد گوشت فاسد بفروشد و این خبر در روزنامه محلی منعکس شود و مشتریان (برای خرید گوشت) جایی

دیگر بروند، خود این مسئله باعث نازاحتی قصاب می‌شود (محکومیت به از دست دادن اعتبار و در نتیجه مشتریان به خودی خود برای قصاب مجازات محسوب می‌شود). با وجود این، جزئی کردن مجازات در عمل، منجر به خوردن برچسبی به محکومیت کیفری می‌شود (هر چند چنین برچسبی ممکن است کمتر از برچسبی باشد که به جرایم واقعی می‌خورد) که این محکومیت نباید نسبت به شخصی اعمال شود که مراقبت متعارف را انجام داده است.

علاوه بر آن، همان گونه که اسمیت (Smith) و هوگان (Hogan) خاطر نشان می‌کنند، در پرونده‌ای که با حضور هیات منصفه محاکمه شد، وجود مسئولیت مطلق باعث می‌شود که هیات منصفه مسایل موضوعی مهم را لحاظ نکند و این امر به آنان امکان می‌دهد که فقط به همراه قاضی به منظور تعیین مجازات، مسایل موضوعی را لحاظ نمایند. این مسئله در دادگاه مجستریت، مسایل موضوعی را از شرط اثبات، و رای هر گونه شک معقول، مبرا می‌سازد و به آنان اجازه می‌دهد که بنا بر اصول مضیق تری که رهنمود تصمیمات مبنی بر تعیین مجازات‌اند، مبادرت به اتخاذ تصمیم نمایند.

همچنین، مسئولیت مطلق، میزان زیادی از اختیارات را با صلاح‌دید نهاد اجرایی واگذار می‌کند. هر جا که مسئولیت مطلق، این مسئله را تا حدودی قطعی می‌کند که تعقیب، به محکومیت منتهی خواهد شد، اتخاذ تصمیم را درخصوص این که آیا تعقیب انجام شود یا خیر؟ و این که نسبت به کسانی که مبادرت به تصمیم‌گیری می‌کنند، نظارت‌های کمی وجود دارد، حایز اهمیت می‌نماید.

### مزیت کم اداری

این مسئله که آیا مسئولیت مطلق، به واقع تاثیر زیادی بر مصلحت اندیشی اداری دارد یا خیر، هنوز هم محل مباحث است. هنوز هم پرونده‌هایی کشف شده و در دادگاه مطرح می‌شوند و در بعضی از پرونده‌ها هنوز هم عناصر گزینشی عنصر روانی باید اثبات شوند و هر چند مسئولیت مطلق می‌تواند محکومیت را آسان‌تر کند، مشکلاتی را در مورد تعیین مجازات باقی می‌گذارد. این امر بدون در نظر گرفتن میزانی از مسامحه، نمی‌تواند منصفانه انجام شود. بنابراین، دلیل وضعیت ذهنی متهم، باید وجود داشته باشد. با فرض همه این‌ها، این مسئله مشکل است که بدانیم در واقع چقدر وقت و نیروی انسانی باید صرف شود.

### پی‌نوشت:

این مقاله از فصل دوم کتاب حقوق جزا (Criminal Law) اثر کاترین الیوت (Catherine Elliott) و فرانسیس کوئین (Frances Quinn) اقتباس شده است.